

□ راجر فاولر □

زبان شناسی و رمان

ترجمہ محمد غفاری

www.ketab.ir



سرشناسه: فاولر، راجر. ۱۹۹۹-۱۹۳۸ م. Fowler, Roger
 عنوان و پدیدآور: زبان‌شناسی و رمان / راجر فاولر؛ ترجمه محمد غفاری.
 مشخصات نشر: تهران، نشر نی. ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: ۲۶۴ ص.
 شابک: 978-964-185-214-8
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: Linguistics and the Novel, 1977
 یادداشت: کتابخانه.
 موضوع: گفتمان ادبی؛ داستان‌نویسی
 شناسه افزودن: غفاری، محمد. ۱۳۶۵ - مترجم
 رده‌بندی کنگره: ۲۳۰۲ / ف ۲ ۱۳۹۰
 رده‌بندی دیویی: ۸۰۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۷۷۱۷۹



زبان‌شناسی و زبان

راجر فاولر

مترجم: محمّد غفاری

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۰

تعداد: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۶۰۰ تومان

لیتوگرافی: باختر

چاپ: اکسیر

ناظر چاپ: یمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹۷۸ ۹۶۴ ۱۸۵ ۲۱۴ ۸

www.nashreny.com

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار مترجم
۱۱	دیاچه مؤلف
۱۵	یادداشتی بر چاپ دوم (۱۹۸۳)
۱۷	فصل نخست: اصول
۱۷	درآمد: نقد، زبان، و ادبیات داستانی
۲۱	متن و جمله
۲۲	ژرف‌ساخت و روساخت
۲۸	هم‌معنایی و کژتابی
۳۰	سازمایه‌های ژرف‌ساخت
۳۴	معنا و جهان‌بینی
۳۶	گشتارها
۳۹	گشتارها و چشم‌انداز
۴۲	گسترش نظریه
۴۵	فصل دوم: سازمایه‌ها
۴۵	سازمایه‌های متن در بوطیق‌های متنی
۴۷	سازمایه‌های دستور زبان متن
۴۸	ژرف‌ساخت متنی: خبرها و اسم‌های روایتی
۵۰	نوعی و منحصره‌فرد
۵۳	اسم‌ها و شخصیت‌ها: تحلیل معنایی

۶۰	ویژگی‌های معنایی صحنه و درون‌مایه
۶۵	حالت‌مندی
۶۹	سازمایه‌ها و کارکردها
۷۲	تحلیل یک نمونه
۸۳	فصل سوم: متن
۸۳	ساختار متنی در نظم و نثر
۸۶	هم‌چسبی و ساختار اطلاعات
۹۰	اطلاعات، آهنگ و لحن
۱۰۱	فصل چهارم: گفتمان
۱۰۱	بازنمود و بیان
۱۰۲	دیدگاه چشم‌انداز
۱۰۶	دیدگاه: نگاره‌ها
۱۰۹	صدای نویسنده و صدای روایتگر
۱۲۴	نویسنده و شخصیت‌هایش
۱۲۴	منظره بیرونی و منظره درونی
۱۲۹	چشم‌انداز بیرونی
۱۳۵	چشم‌انداز درونی
۱۴۴	سبک ذهن و ساختار گفتمان
۱۵۷	عرف‌های گفتمان: ساختار زبانی-اجتماعی در ادبیات داستانی
۱۵۸	ساختار اجتماعی در گفتمان داستان: رمزگان‌های گسترده و رمزگان‌های محدود
۱۷۱	فصل پنجم: رمان‌نویس، خواننده، و باهمستان
۱۸۳	منبع‌های پیشنهادی برای مطالعه پیش‌تر
۲۰۳	برگردان فارسی برخی آثار ادبی که در این کتاب به آن‌ها اشاره شده
۲۰۵	واژگان
۲۵۱	واژه‌نامه
۲۵۷	نمایه

پیش‌گفتار مترجم

زبان‌شناسی و رمان دومین کتابی است که در حوزه نقد زبان‌شناختی به فارسی برگردانده‌ام.^۱ این کتاب، چنان‌که از عنوانش برمی‌آید، به‌طور خاص به رمان می‌پردازد و اکنون یکی از آثار کلاسیک این حیطه تلقی می‌شود. شالوده نظری آن دستور زبان گشتاری-زایشی توم چامسکی و دستور زبان نقش‌نگر مایکل هلبلی است. البته، راجر فاولر در این کتاب تا حدودی هم زیر تأثیر نظریه‌های ساختارباوران و روایت‌شناسان فرانسوی، به‌ویژه تسوتان نو دوروف و آلگیر داس گره‌ماس، بوده است. درست است که فاولر بعدها به حوزه‌هایی مانند گفتمان‌کاوی سنجشگرانه (CDA) گرایش یافت و برخی دیدگاه‌های پیشینش را بازبینی کرد، اما چارچوبی که وی در این کتاب طرح می‌کند بی‌شک هنوز هم در نقد رمان کارآمد است و البته برای ما فارسی‌زبانان تا حد زیادی تازگی دارد. از این گذشته، من معتقدم که آشنایی با نظریه‌های «کلاسیک» به فهم بهتر نظریه‌های متأخر نقد زبان‌شناختی کمک می‌کند. امیدوارم ترجمه این کتاب برای علاقه‌مندان این حوزه سودمند باشد.

مؤلف این کتاب نمونه‌های زیادی را از رمان‌ها و داستان‌های کوتاه انگلیسی و امریکایی برگزیده و در خلال بحث‌های خود تحلیل کرده است. کوشیده‌ام این نمونه‌ها را طوری ترجمه کنم که تا جای ممکن با تحلیل‌های مؤلف همخوان باشند. اما، به دلیل

۱. کتاب نخست: پیترو وردانک، مبانی سبک‌شناسی، ترجمه محمد غفاری، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.

تفاوت‌های ساختاری و گفتمانیِ دو زبان انگلیسی و فارسی این امر همیشه ممکن نبوده است. پس، باید توجه داشت هدف من به‌دست‌دادن ترجمه‌ای ادبی نبوده است، و اگر مترجم دیگری این آثار را به‌طور کامل ترجمه کند، متن به‌دست‌آمده احتمالاً از نظر زبان، لحن، گزینش واژه‌ها، و جز آن با ترجمه کنونی من تفاوت‌هایی خواهد داشت. خواننده نیز می‌باید در درجه اول توجه خود را به متن اصلی نمونه‌ها معطوف کند، که در این ترجمه بدون تغییر آمده‌اند.

در ضمن، از آن‌جا که در زبان فارسی با کمبود کتاب‌های مرجع در این حوزه مواجه‌ایم، برای روشن‌تر کردن مفهوم‌ها و بحث‌ها واژه‌نامه‌ای تشریحی به انتهای کتاب افزوده‌ام. در این بخش، اصطلاح‌های کلیدی را با توجه به کاربردی که در این کتاب داشته‌اند شرح داده‌ام و بنا را هم بر اختصار گذاشته‌ام. پانوشته‌های خود را با علامت «م.» از پانوشته‌های نویسنده متمایز کرده‌ام. نوشته‌های درون قلاب نیز افزوده می‌اند، مگر خلاف آن تصریح شده باشد.

در پایان، باید از دوستان گرامی‌ام، علی عسگری و فرشاد مزدرانی، تشکر کنم که نخستین خوانندگان این ترجمه بودند و برای روان‌تر کردن نثر آن پیشنهادهای مفیدی دادند. از نظرهای انتقادی صاحب‌نظران و خوانندگان گرامی نیز برای به‌کرد این ترجمه در ویراست‌های بعدی به‌گرمی استقبال می‌کنم.

م.غ.

آذر ۱۳۸۸

دیباجه مؤلف

تحول‌های اخیر در زبان‌شناسی و حوزه‌های وابسته به آن شایسته توجه بیش‌تر ناقدان ادبی‌اند زیرا این تحول‌ها ناظر به شیوه‌های اصلی خوانش و تحلیل متن‌اند. نقد ادبی نیز، در مقام یک رشته، همواره پذیرای نوآوری بوده است. شماری از این تحول‌ها به‌نظر من نشان از رویکردی تازه در نقد ادبیات داستانی دارند. به همین دلیل، در کتاب حاضر کوشیده‌ام مضمون‌های اصلی این تحول‌های گوناگون را در طرح اولیه روش جدیدم در نقد ادبیات داستانی گرد هم آورم. روش من برای این کار آمیزگانه بوده است و از چند رویکرد استفاده کرده‌ام.

دستور زبان گشتاری نژم چامسکی دیدگاه تازه‌ای به ما درباره ایده سبکی به‌منزله رابطه میان معنا و بیان می‌دهد. رویکرد نقش‌نگر مایکل هلیدی ما را به این فکر وامی‌دارد که چرا کاربرد زبان برای جمله خود یک ساختار خاص را به‌جای دیگری برمی‌گزیند. هلیدی، همچنین، اصطلاح‌های ارزشمندی در اختیار ما می‌گذارد که پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی از این دست در گرو استفاده از آن‌هاست. من از این شیوه‌های توصیفی زبان‌شناختی سود می‌جویم تا به موردهای زیر پردازم: راه‌هایی که تک‌جمله‌ها از طریق آن‌ها متنی گسترده‌تر می‌سازند، توان این تک‌جمله‌ها برای نشان دادن سبک‌های ذهن نویسندگان و شخصیت‌ها، و رابطه میان «صدا»های موجود در رمان. موضوع اخیر به‌طور غیرمستقیم در آثار زبان‌شناس-ناقدان روس مکتبی مطرح شد که میخائیل باختین

در دهه ۱۹۳۰ بنیان نهاده بود. آثار اصلی ایشان اکنون به انگلیسی ترجمه شده‌اند؛ توصیه می‌کنم حتماً آن‌ها را مطالعه کنید.

دل‌مشغولی اصلی من در این کتاب اهمیت ساختار جمله‌ها، و گشتارها، از دید خواننده رمان و ناقد است، هم در تک‌تک جمله‌ها و هم در کلیت اثری کامل. به عبارت دیگر، تحلیل‌های توصیفی من و حکم‌های کلی حاصل از آن‌ها بر پایه الگویی جالفتاده از زبان‌شناسی جمله‌بنیاد استوارند، که البته جنبه‌های دیگری به آن افزوده‌ام. با این همه، این گونه بررسی‌ها نهایتاً، اگرچه مهم‌ترین بخش، فقط بخشی از نظریه زبان‌شناختی متن‌های روایتی‌اند. زبان‌شناسی معاصر دارد به این نتیجه می‌رسد که باید پا از حوزه سنتی جمله فراتر گذاشت و ساختار کلی متن‌ها را در نظر گرفت. این زبان‌شناسی متن‌بنیاد جدید — که عمدتاً در هلند و آلمان شکل گرفته — هنوز به صورت برنامه است، و برخی پیشنهادهايش جنبه آزمایشی دارند. من از دستور زبان متن چند ایده کلی گرفته‌ام. فرض من این بوده که ساختار کلی متن مانند ساختار جمله است. بر پایه این قیاس، به ایده‌هایی ساختاری مثل گفتمان دست یافته‌ام و آن‌ها را در کنار مفهوم‌های ادبی پذیرفته‌ای چون سازمان‌های رمان^۱ به کار برده‌ام. نمونه دیگری از استفاده من از قیاس ساختار متن و ساختار جمله را در تحلیل شخصیت و درون‌مایه می‌توان دید؛ این تحلیل‌ها بر اساس همان ویژگی‌های معنایی انجام می‌شوند که زبان‌شناسان برای توصیف معنای تک‌تک واژه‌ها به کار می‌برند (ر.ک.: صص ۶۵-۵۳). قیاس جمله/متن را می‌توان به شیوه‌های متعدد دیگری نیز به کار گرفت، اما شاید این کار فعلاً اندکی بلندپروازانه باشد. محض نمونه، می‌توان گفت روساخت متن از درون‌مایه نهفته در زیر آن حاصل می‌شود، همان‌طور که، به اعتقاد زبان‌شناسان، روساخت یک جمله از ظرف ساخت معنایی آن به دست می‌آید.

دستور زبان متن، همچنین، با روش رایج دیگری همخوانی دارد: تحلیل ساختاری روایت و اسطوره که پژوهندگان فرانسوی مانند رولان بارت، تسوتان تودوروف، و کلود لوی-استروس آن را به کار برده‌اند. از آن‌جا که ساختاریاوری موضوع کتاب دیگری

۱. یعنی پی‌ونگ، شخصیت‌پردازی، صحنه، درون‌مایه، و جز آن. —م.

در همین مجموعه است،^۱ تنها اشاره‌ای گذرا به آن خواهم کرد. من جزو آن ناقدان آنگلساکسونی نیستم که عقیده دارند ساختارباوری فرانسوی به لحاظ نظری سطحی یا به طرز مضحکی فروکاستگر است. توصیف ساختارباوران از ساختار پی‌رنگ، درون‌مایه، و نقش قهرمانان — با توجه به قاعده‌های ساختاری بالقوه و همگانی — به زعم من کارستانی است پراعتبار و بااهمیت در نظریه و تاریخ رمان. پس، اگر من آن را نادیده گرفته‌ام از این بابت است که زحمت شرح آن را شخص دیگری کشیده است.

ساختارباوران فرانسوی دو سطح ساختار اثر ادبی را از هم متمایز می‌کنند: داستان و گفتمان. داستان (یا پی‌رنگ) و دیگر سازمایه‌های انتزاعی ساختار رمان را می‌توان از لحاظ دسته‌بندی‌های صورت گرفته بر پایه نظریه زبان‌شناسی بررسی کرد، اما دغدغه اصلی زبان‌شناسان بی‌تردید مطالعه گفتمان است. از این رو، به نظریه زبان‌شناختی روایت فقط در حد ابزاری جهت ایجاد چارچوبی معین برای کار خودم، در زمینه زبان و ریژه داستان، اشاره کرده‌ام. (برای اطلاعات بیش‌تر درباره چارچوب گسترده‌تر ساختارباوری زبانی-ادبی بنگرید به کتاب‌های Culler و Hawkes، و Scholes که در صفحه ۱۹۶ معرفی شده‌اند.) در ضمن، به دلیل نبود فضای کافی، به ناچار برخی مقوله‌های دیگر مربوط به «زبان داستان» را کنار گذاشته‌ام. برای نمونه، از طرح کردن این گونه مسئله‌ها خودداری کرده‌ام: شیوه‌های متداول بازنمود گفت‌وگو یا گویش‌های محلی، صنعت‌های بیانی مانند استعاره‌هایی که مضمونی تکراری دارند، و زبانی که متکرانه تحریف یا برجسته شده است (مثل زبان شب‌زنده‌داری فینکن‌ها). نه این که این موضوع‌ها به نظر من بی‌اهمیت باشند، بلکه این جنبه‌های ساختار زبانی، اتفاقاً، بر سبک و لحن متن مستقیماً اثر می‌گذارند. با این حال، تحلیل‌شان نیازی به دانش گسترده‌ای از زبان‌شناسی ندارد. از این گذشته، پیش‌تر کسان دیگری از جمله Lodge و Page به آن‌ها پرداخته‌اند (ر.ک.: صص ۱۹۴-۱۹۲ و ۲۰۰). در این کتاب مختصر، بیش‌تر به موضوع‌هایی توجه کرده‌ام که تحلیل‌شان مستلزم زبان‌شناسی پیشرفته و استفاده پیوسته از آن است، نه این که از زبان‌شناسی صرفاً برای ارائه توصیف‌های نقادانه معمول استفاده شود.

1. Terence Hawkes, *Structuralism and Semiotics*.

برای کسانی که در زمینه نظریه ادبیات داستانی کار می‌کنند، واضح است که پذیرفتن نظریه‌های کلی مطرح‌شده درباره رمان به تلقی هرکس از تاریخ ادبیات داستانی‌منثور بستگی دارد. ناقد و خواننده او چه رمانی را «نوعی» می‌پندارند؟ نباید فراموش کرد که ما درباره مجموعه‌ای عظیم و بی‌اندازه متنوع از آثار سخن می‌گوییم که در شرایط بسیار مختلف و در طول مدت زمانی نزدیک به دویست سال نوشته شده‌اند. پس، چیزی به نام رمان نوعی وجود ندارد. ناقدان اثری را از میان انبوه آثار موجود برمی‌گزینند، با آوردن دلیل‌هایی از گزینه خود دفاع می‌کنند، و، به این ترتیب، از آن اثر رمانی نوعی می‌سازند. نظریه پرداز، با علم به این نکته، باید تا آن‌جا که می‌تواند بی‌پرده برداشت خود را از تاریخ و تنوع رمان بیان کند. من در این‌جا فرصت ندارم نظر خودم در مورد تاریخ رمان را بازگو کنم و می‌دانم جاهای زیادی در این کتاب هستند که ناگزیر از توصیف و توضیح چشم پوشیده‌ام. کوشیده‌ام اصطلاح‌هایی نظیر «بسیاری رمان‌نویسان» و «غالباً» را با احتیاط به کار ببرم، و فقط می‌توانم امیدوار باشم رمان دل‌خواه من رمانی عجیب و غریب یا خیلی کهن جلوه نکرده باشد.

اندکی هم در باب چیدمان کتاب بگویم. دو فصل نخست مفهوم‌های تخصصی به‌کاررفته در بحث‌ها را معرفی می‌کنند. فصل اول ایده‌های زبان‌شناختی مربوط را معرفی می‌کند، و فصل دوم طرحی برای بررسی «سازمایه‌های زبانی ساختار رمان پیش می‌نهد. فصل‌های سوم و چهارم عمدتاً شامل تحلیل‌های روشنگری از برخی جنبه ساختار زبانی‌اند که پیش‌تر تعریف شده‌اند. فصل چهارم، «گفت‌وگو»، همچنین موضوع‌هایی را بحث می‌کند که به نظر من هم‌اکنون کانون توجه بررسی‌های زبان‌شناختی رمان محسوب می‌شوند. فصل پنجم نتیجه‌گیری کوتاهی از فصل‌های پیش است و در عین حال در حکم نوعی دورنما عمل می‌کند. در این فصل، درباره نقش ساختار نزد فردریش شلر و نیز مجموع آنان صحبت کرده‌ام، و از این منظر نگاهی دوباره به مطلب‌های فصل‌های قبلی انداخته‌ام. در پایان فصل هم، مسیری برای پژوهش بیش‌تر بر مبنای این چشم‌انداز ترسیم کرده‌ام.

در همه‌جای کتاب، مطلب‌ها و مثال‌های مربوط به آن‌ها را به تدریج و مرحله به مرحله عرضه کرده‌ام. موضع نسبت به موضوع تازه این کتاب خشک یا تحکم‌آمیز نبوده

است، و تلاش کرده‌ام از بحث‌های خودبیانگر و روشن استفاده کنم تا خواننده پیش‌رفتن تدریجی مطلب و موضع تغییرپذیر مرا احساس کند. بهترین خوانش این کتاب نخستین خوانش است. سپس، می‌توان آن را به‌صورت گزینشی بازخوانی کرد و بخش‌های گوناگون بحث را در تحلیل متن‌های نقل‌شده در جاهای مختلف کتاب به‌کار برد.

هنگام تألیف این کتاب، از یاری‌های ارزشمند دانشجویان دانشگاه ایست انگلیا در بریتانیا و دانشگاه براون در امریکا برخوردار بوده‌ام که خیلی از ایده‌های مرا در سمینارهای شان به بحث گذاشتند. ملکم بردبری و ترنس هکس در زدودن ابهام‌های دست‌نوشته نخستین بسیار کمک به حال بودند. حروف‌چینی کار را لسلو نگوین و میوریل آکینگ برعهده داشتند، و پتر فاولر هم در نمونه‌خوانی کمکم کرد.

یادداشتی بر چاپ دوم (۱۹۸۳)

زبان‌شناسی و رمان در سال ۱۹۷۷ همچون طرحی پیشنهادی از رویکردی تازه به بررسی ادبیات داستانی عرضه شد. این طرح می‌توانست گسترده‌تر باشد (برای نمونه، می‌شد پیشنهادهای برنامه‌ای فصل ۵ را کامل‌تر کرد)، اما در این حالت از شکل فشرده مجموعه بیان‌های تازه عدول شده بود. به‌نظرم، کلیت طرح پیشنهادی هنوز هم معتبر است. در این ویراست، از بازی کردن با جزئیات پرهیخته‌ام تا سیر تدریجی بحث به همان صورت باقی بماند. با این همه، بخش منبع‌های توصیه‌شده برای مطالعه بیش‌تر را کاملاً بازنویسی کرده‌ام، به‌طوری که اکنون جامع‌تر شده است و مهم‌ترین آثار را تا پایان سال ۱۹۸۲ دربر می‌گیرد. در این میان، وامدار همکارم آلن کرسنو هستم که توصیه کرد منبع‌ها را به‌روز کنم.